

چرا روابط سیاسی میان ایران و آمریکا

برقرار نمی‌شود

ک. سپهر

از آغاز برپایی جمهوری اسلامی ایران تا کنون روابط ایران و ایالات متحده آمریکا یکی از گرهی‌ترین مسایل مناسبات خارجی ایران و حاکمیت اسلامی بوده است.

دخالت‌های آمریکا در امور ایران از کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ به بعد هیچگاه از چشم مردم این سرزمین باستانی پنهان نماند. شعارهای ضدآمریکایی مردم تا پیروزی انقلاب پاسخی به این مداخله‌ها بود. ملاحی که به رهبری آقای خمینی دست‌اندرکار قبضه کامل قدرت در ایران بودند با چراغ سبز به عده‌ای دانشجو، آنان را برای اشغال سفارت آمریکا گسیل داشتند؛ رویدادی که از نظر داخلی و خارجی پیامدهای منفی بسیاری برای ایران به همراه آورد: در داخل توازن نیروها بزبان گروه‌های ملی که در دولت بازرگان گرد آمده بودند بهم خورد، قدرت دولتی بطور عمده بدست ملایان افتاد، زمینه برای سرکوب‌های بعدی نیروهای دگراندیش فراهم گشت و بستر مناسبی برای تجاوز عراق به ایران ایجاد شد. از دیگر سو کشور ما را درگیر بحران‌های بزرگ بین‌المللی و محاصره اقتصادی درازمدت کرد و زبان‌های جبران ناپذیری به اقتصاد ایران وارد ساخت.

به درازا کشیدن جنگ عراق و ایران و تنگناهای ناشی از آن و نیاز به اسلحه سبب شد تا در واپسین سال‌های زندگی آقای خمینی، زدوبندهایی کاملاً پنهانی با دولت آمریکا - آنچه به «ایران گیت» مشهور شد - انجام پذیرد؛ روابطی که بیش از آنکه جنبه دیپلماتیک داشته باشد، جنبه امنیتی - نظامی داشت. لو رفتن و آشکار شدن این روابط سبب شد که مدت‌ها دستیابی به مناسبات عادی دیپلماتیک با دشواری‌ها و چالش‌های بیشتر و جدی‌تر روبرو شود.

بر سر کار آمدن دمکراتها در ایالات متحده آمریکا و جناح موسوم به اصلاح طلبان در جمهوری اسلامی هم نتوانست به برقراری مناسباتی دوجانبه بیانجامد. با آنکه در دوره دوم ریاست جمهوری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا بنوعی از دخالت این کشور در کودتای ۲۸ مرداد از ملت ایران پوزش خواست و آقای خاتمی آنچنان که شیوه ایشان است، سخنرانی‌های «گرم و دلپذیری» درباره ملت آمریکا بیان نمود، اما گره روابط دو کشور همچنان ناگشوده ماند.

جناح ارتجاعی - طالبانی حکومت اسلامی مانند همیشه از تجدید مناسبات دو کشور جلوگیری بعمل آورد. جالب آنکه با آنکه دولت انگلستان طراح کودتای ۲۸ مرداد و شریک مستقیم در انجام کودتا بود، تا کنون هیچگاه از سوی جناح طالبانی جمهوری اسلامی مورد پرسش قرار نگرفته است، تا چه رسد به اینکه از انگلیسی‌ها خواسته شود بخاطر طراحی و شرکت در کودتای ۲۸ مرداد از ملت ایران پوزش بخواهند؛ پوزشی که دولت انگلستان مانند آمریکا به مردم ایران بدهکار است.

شرکت در کودتای ۲۸ مرداد مانع گسترش روابط ایران و انگلیس و بستن قراردادهای بزرگ نفتی و همکاری سیاسی هم نمی‌شود. پرسش مهمی که برای بسیاری طرح می‌شود این است که چرا روابط ایران و آمریکا از سوی حکومت اسلامی و یا لاقابل‌بخش «محافظه‌کار» - ارتجاعی آن از سر گرفته نمی‌شود. در زیر کوشش خواهد شد جنبه‌هایی از آن بررسی شود.

آقای خمینی و ملایان همگام با او با ابزار ساختن شعار مرگ بر آمریکا و سیاست‌های ضدآمریکایی از آغاز استقرار جمهوری اسلامی کوشیدند حریفان و رقیبان داخلی را از سر راه بردارند. آمریکایی قلمداد کردن «ملی - مذهبی»‌ها، دولت بازرگان و بعدها

ابوالحسن بنی‌صدر اولین رییس‌جمهور ایران، مهمترین نمونه‌های این ابزارسازی بود. افزون بر این استفاده آقای خمینی و یارانش از شعارهای ضدامپریالیستی - ضدآمریکایی، چپ‌گرایان را عملاً از یکی از مهمترین شعارهای‌شان برای نفوذ در میان توده‌های مردم محروم می‌کرد و بنوعی آنان را در این گستره خلع سلاح می‌نمود. دنباله‌روی بخشی از چپ‌گرایان ایرانی از آقای خمینی نشان داد که این سیاست ملایان تا چه اندازه توانست مؤثر واقع گردد. استفاده از اینگونه شعارها که با گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا نیز همراه شده بود، در میان توده‌های مسلمان سایر کشورها نیز برای حکومت اسلامی و آیت‌الله خمینی بسیار وجهه آفرین و سودآور بود. در طول جنگ عراق و ایران و بویژه در ۶ سال پس از پیروزی خرمشهر - که جمهوری اسلامی از موضع پدافندی حالت تهاجمی بخود گرفت- از شعارهای ضدآمریکایی بمتابه یک وسیله مهم در بسیج توده‌های بمنظور سربازگیری برای جبهه‌ها از یکسو و حقانیت بخشیدن به جمهوری اسلامی در نبرد با عراق بعنوان دست‌نشانده آمریکا از دیگر سو استفاده شد.

رژیم‌های تمامیت‌خواه همواره با طرح دشمن خارجی کوشیده‌اند سیاست‌های ضد مردمی داخلی خود را توجیه کنند و بر دشواری‌هایی که مردم با آن روبرو هستند سرپوش بگذارند. شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» بویژه پس از پایان جنگ عراق و ایران مناسب‌ترین دستاویز جمهوری اسلامی برای سرپوش‌گذاری بر فقر گسترده و توده‌ای مردم ایران، اعتیاد، رشوه‌خواری، فحشاء، بیکاری روزافزون، چپاول ثروت‌های ملی از سوی مافیای قدرت و دزدی‌های نجومی بوده است.

اتحاد آخوندهای معطوف به قدرت، بازاریان و اوباشان که بخش عمده قدرت دولتی را پس از انقلاب از آن خود کرد، با آغاز جنگ و ادامه دادن آن آرام آرام به یک قدرت مافیایی سیاسی - نظامی - اقتصادی - امنیتی فراروید؛ قدرتی که تا کنون نزدیک به ۵۰۰ میلیارد دلار در ۲۵ ساله گذشته از ثروت ملی، نفت فروخته، بر یک بازار داخلی ۶۰ میلیونی چنگ انداخته، یکی از مهم‌ترین راه‌های ترانزیت مواد مخدر و بازار چند میلیونی معتادان داخلی را زیر نگین دارد. بر وفق گفته‌های مقام‌های رسمی حکومت دهها اسکله آزاد در اختیار این مافیا است که هیچگونه نظارت گمرکی و دولتی بر آن وجود ندارد و افزون بر این از راه‌های آبی «آزاد» و از راه‌های زمینی غیر نظارتی برای ورود و خروج کالاها نیز برخوردار است. این مافیا دارای یک بازوی مقتدر قضایی، امنیتی و همچنین نظامی (سپاه پاسداران) است که هر گونه خطر احتمالی داخلی برای مافیا را درهم می‌کوبد. شعارهای ضدآمریکایی و ضد غربی و یا ضد «تهاجم فرهنگی» که روزانه از سوی صدا و سیمای جمهوری اسلامی که وابسته به این مافیاست و دهها روزنامه و مجله وابسته به آن پخش می‌شود، مناسب‌ترین وسیله برای انحراف افکار عمومی از کارکردهای ضدملی و چپ‌ولگرانه و واپسگرایانه این قدرت است. اگر در واپسین سال‌های حکومت شاه بخش مهمی از گرفتاری‌های ملت ایران از دخالت آمریکایی‌ها نشأت می‌گرفت، اینک سال‌ها پس از اخراج آمریکایی‌ها از ایران دشواری‌ها و مصایب ملت که بصورت چشم‌افسایی بیشتر از دوران حکومت شاه شده است، پیش از هر چیز بسبب وجود مافیای ثروت و قدرتی است که پس از پیروزی انقلاب در ایران شکل گرفته است و گردانندگان آن می‌کوشند با شعارهای ضدخارجی فرافکنی نمایند؛ شگرد موفقیت‌آمیزی در سال‌های آغازین انقلاب که دیگر از سوی ملت ایران شناخته شده و تأثیرات خود را از دست داده است. بر اساس همین شناخت است که معلمان اعتصابی از جمله در شعارهای خود خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی می‌گفتند

«حالی به فکر ما کن فلسطینو رها کن!»

جمهوری اسلامی در بیست و چند سال استقرار خود سیاست خارجی‌اش را بر پایه آمریکاستیزی استوار ساخته است. اهمیت ژئوپلیتیکی - استراتژیکی ایران چه در دوران جنگ سرد و چه پس از فروپاشی اتحاد شوروی سبب شده که ایران در تناسب قدرت در سطح جهانی نقش ایفاء کند، بدون آنکه از قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی چندانی برخوردار باشد که قادر به حفظ خود در میدان

کشاکش قدرت‌های بزرگ باشد. ازینرو جمهوری اسلامی با سیاست آمریکاستیزی‌اش مجبور بوده است همواره به رقیبان اصلی آمریکا در منطقه یعنی انگلیس، روسیه و اتحادیه اروپا باج بدهد تا بتواند بروی پا بایستد.

با توجه به نفوذ تاریخی انگلیس و روسیه در منطقه و بویژه علایق پنهان و آشکار جناح طالبانی حکومت ایران به انگلیس، واگذاری امتیازها و باج‌دهی به این دولت مدام افزایش می‌یابد.

در مورد روسیه هم بخشی از اصلاح‌گراهای درون حکومت اصطلاح «ایران، حیاط خلوت روسیه» را بکار می‌برند که چندان از واقعیت هم دور نیست.

بدون تردید میهن‌دوستان ایرانی با امتیازدهی و بذل و بخشش منافع ملی به هر کشور خارجی اعم از انگلیس، آمریکا، روسیه و غیره مخالف‌اند و خواستار دفاع از منافع ملی در برابر دیگر کشورها هستند؛ منافعی که بعلت‌های فراوان مدام در معرض فروش قرار می‌گیرد، که نداشتن رابطه سیاسی با آمریکا یکی از آنهاست.

برای حکومت اسلامی اما برقراری رابطه دیپلماتیک با آمریکا بمثابة یک دگرگونی جدی در مجموعه مناسبات خارجی - چه منطقه‌ای و چه جهانی - است. دیپلماسی ناکارآمد، ناکارشناسانه، لخت و بی‌عرضه جمهوری اسلامی برای چنین چرخش‌هایی از آمادگی و توان لازم برخوردار نبوده و نیست. از دیگر سو برای دولتمردانی که بیش از ۲۰ سال خود را مظهر مبارزه با دولت دیگری تبلیغ کرده‌اند و از رهگذر این سیاست سودهای بزرگ برای خود و زیان‌های بسیار برای ملت ایران فراهم آورده‌اند، دشوار است که «جام زهر» دیگری را سر بکشند. زیرا همانگونه که در مورد ادامه جنگ با عراق همچنان این پاسخ را به ملت ایران بدهکارند که چرا آن جنگ خانمانسوز را زودتر به پایان نبردند، تا هم جان و تندرستی صدها هزار جوان ایرانی و هم صدها میلیارد دلار از ثروت ملی این مردم را به باد ندهند، به پاسخی بزرگتر مجبور می‌شوند، که چرا نکوشیده‌اند روابط عادی دیپلماتیک با آمریکا را لااقل در شرایط مناسب‌تری که هنوز جناح جنگ طلب بوش - چنی بر سر کار نیامده بود، و سروسامان بخشند، تا مجبور نشوند در شرایطی به مراتب بدتر و با در یوزگی و مسلما با دادن امتیاز از جیب ملت ایران به این جناح بکوشند همچنان سکان قدرت را در کف داشته باشند.

باید امیدوار بود که ملت ایران بتواند بر سیاست‌های ضدملی و ایران بر باد ده باند مافیایی قدرت و ثروت و قدرتی که نام نظام ولایت فقیه را یدک می‌کشد، نقطه پایان گذارد و این کشور کهنسال را از مسیر تندبادهای هستی‌سوز دور گرداند.